

تحلیل محتوای ۱۲ مصاحبه با زنان فعال حوزه سیاست، اجتماع و اقتصاد در مورد ناآرامی‌های اخیر

# زنان از زبان زنان

محمد رستمپور  
مدیر دفتر پژوهش و بررسی‌های خبری ایرنا

از همان روزهای نخستی که گفت‌وگوها در مورد چرایی و چیستی اعتراضات و ناآرامی‌های دو ماه اخیر آغاز شد، منتقدین و پرسشگرانی با فرض زنانه بودن اعتراضات ناظر به تعداد مشارکت‌کننده زن در حرکت‌ها و همچنین عطف به طرح شعارهایی بویژه شعار «زن، زندگی، آزادی»، تأکید داشتند که ماجراهای رخ داده را باید از دید زنان جامعه دید و تحلیل کرد. این اشکال مهم زمینه‌ای فراهم کرد تا دفتر پژوهش خبرگزاری ایرنا، مصاحبه‌هایی با زنان فعال در حوزه سیاست، اجتماع و اقتصاد ترتیب دهد و نظر و نگاه آنان را در این باره جست‌وجو کند. کاوش در دیدگاه‌های آنان و تلاش برای تبدیل این دیدگاه‌ها به تصمیمات سیاستی می‌تواند اولاد در توصیف رخداد و ثانیاً در ترسیم راهکارهایی برای حل معضلات حتی در بلندمدت مؤثر و مفید باشد.

چهره‌هایی که دعوت به مصاحبه پژوهشگران ایرنا را پذیرفتند عبارتند از: «الله کولایی»، فعال سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، «ظاهر چنگیز»، رئیس سابق دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، «منصوره اتحادیه»، استاد بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه تهران و مدیر نشر تاریخ ایران، «فاطمه مهاجرانی»، ریاست اسبق دانشکده فنی و حرفه‌ای دختران شریعتی، «ندا حاجی‌وثوق»، مدرس علمای و همین‌زمان عضو هیأت مدیره و مسئول کمیته زنان و صلح انجمن علمی مطالعات صلح ایران، سیده «فاطمه مقیمی»، عضو هیأت رئیسه اتاق بازرگانی تهران، «سیمیا فردوسی»، روان‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، «زهره نژادبهرام»، فعال سیاسی و عضو سابق شورای شهر تهران، «توران ولی‌مراد»، عضو شورای مرکزی و مسئول کمیته تحقیقات و مطالعات جامعه‌زیست‌(س)، «صدیقه ببران»، فعال حوزه ارتباطات و عضو هیأت علمی دانشگاه، «فاطمه حق دوست اسکویی»، قائم‌مقام سابق وزیر بهداشت در امور پرستاری و «سیمین حاجی‌پور»، عضو هیأت علمی دانشگاه و دبیر کمیته مطالعات زنان انجمن علوم سیاسی ایران.

## ■ خواست و مطالبه زنان

از نظر الهه کولایی با اینکه در سال‌های گذشته در مورد حقوق انسانی زنان زیاد نوشته و گفته شده، اما سیاست‌های واقعی و عملی کمتری بر این اساس شکل گرفته است. نه نهادهای مدنی و نه احزاب سیاسی، نتوانسته‌اند خواسته‌های زنان را به گونه‌ای رضایت‌بخش برآورده کنند. در نظر او، زنان خواستار فرصت‌های برابر با مردان هستند تا از توانایی‌ها و استعدادهایی که خداوند در اختیارشان نهاده، برای خود و دیگران بهره ببرند. موضوعی که در بیان ندا حاجی‌وثوق نیز بدان تصریح می‌شود. از نظر حاجی‌وثوق احساس زن ایرانی بر آن است که به ابزاری برای پیشبرد سیاست و منافع تبدیل شده. نشانه این ادعا هم در استفاده ابزاری از زنان در انتخابات است. به‌رغم اختلاف سیاسی توران ولی‌مراد با کولایی و حاجی‌وثوق، ولی‌مراد هم زنان را در نگاه ابزاری گرفتار می‌بیند، اما عامل این نگاه را غرب و خلاف حقوق زنان ترسیم می‌کند. ولی‌مراد اگرچه حجاب و عقافت را امر راهبردی - اسلامی در مقابل نگرش ابزاری و هویت جنسی زن می‌شناسد، بهره‌بردار سیاسی جریان‌های داخلی از زنان ایران را قبول دارد. با این همه، ظاهره چنگیز، کرامت‌خواهی زن ایرانی را برآمده از انسان بودن او می‌داند و جنسیت را موضوعی فرعی در این تمنا می‌شناسد.

منصوره اتحادیه معتقد است اگر بخواهیم صدای زنان شنیده شود، باید به این نکته توجه داشته باشیم که زنان شبیه هم نیستند، بلکه با زنانی از طبقه‌های مختلف، سن‌های متفاوت، خواسته و طرز تفکرهای متفاوت و... مواجهیم. او اصرار دارد عده‌ای اندک را نماینده زنان ندانیم. اتحادیه معتقد است با همه بحث‌ها همچنان «گفت‌وگو» میان زنان و برای زنان شکل نگرفته، چرا که سیاست، بر پیش‌زمینه‌های گفت‌وگو سایه انداخته است. فاطمه مهاجرانی به رسمیت شناختن تفاوت میان زن و مرد و میان خود زنان را از جمله این پیش‌شرط‌ها می‌خواند. چیزی که سبب شده نگاه جامعه به زنان صرف نظر از عملکردی که دارند، دقیق نباشد. ندا حاجی‌وثوق، فراتر از این پیش‌زمینه‌ها، سراغ قوانین می‌رود و می‌گوید قوانین کنونی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای زنان در جامعه‌ای باشد که چند دهه در کنار مردان به آموزش و اشتغال پرداخته‌اند. فاطمه مقیمی، باورهای شکل‌دهنده به قوانین و قواعد را هدف می‌گیرد و ممنوعیت‌های غیرقانونی و عرفی را برجسته می‌کند. از نظر او اتفاقاً بسیاری از قوانین مبتنی بر همین نگاه ساخته شده‌اند.

سیمیا فردوسی، ضمن پذیرش مطالبات فوری زنان بویژه آزادی بیان و رفع مشکلات معیشتی، از نوعی درهم‌ریختگی و واژگونی معنایی سخن می‌گوید که خواست‌ها و مطالبات زنان را تحت‌الشعاع قرار داده است و همین درهم‌ریختگی را مسبب تبدیل اعتراض به آشوب و خشونت می‌داند. زهره نژادبهرام ضمن اینکه تأکید دارد سنگین‌ترین وزنه ثبات اجتماعی زنان جامعه هستند، نیز به شکلی اولویت‌های زنان را دچار ابهام می‌داند. بویژه آنکه نژادبهرام تصریح می‌کند خود زنان باید اولویت‌های خود را تعریف کنند و این مهم تا به حال محقق نشده است. از نظر او جامعه فراموش کرده که مداوم نسلی کارکرد منحصر به فرد زنان است.

صدیقه ببران بران تجریح می‌دهد از پدیده‌ای به نام «جامعه مردسالارانه» سخن بگوید. از نظر او، چنین جامعه‌ای اجازه نمی‌دهد زنان با پی‌هم مردان در مسیر توسعه پیشرفت کام بردارند. زنان صعود کرده به قله نیز به نوعی «انتخاب» شده‌اند، برای در اختیار گرفتن پست‌های صنعتی، دکوری و فاقد کارکرد و نوع روابط آنها با حلقه قدرت و نه صلاحیت و شایستگی خود آنها، صعود را میسر کرده است. از نظر او، وضعیت امروز یک طغیان اجتماعی برآمده از احساس بی‌عدالتی و تبعیض است. سیمین حاجی‌پور نیز با بیان هم‌راستا و همدل است و تأکید دارد مهم‌ترین مشکل که زیرینا و شالوده سایر مشکلات و دشواری‌های زندگی زنان ایرانی را در عرصه‌های مختلف تشکیل می‌دهد، در درجه اول «تبعیض» است. انزوا و ناتوانی حاصل از این تبعیض، حس «محرومیت» و سرانجام «بی‌عدالتی» را در پی دارد. این «بی‌عدالتی» همیشه باوری را در افراد حساس به مسائل زنان برانگیخته است که می‌توانیم و باید بتوانیم تغییرات بزرگی ایجاد کنیم.

از نظر او، به‌رغم آنکه تفاوت تعداد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی نسبت به مردان راه یافته به تحصیلات تکمیلی، معنادار نیست اما نابرابری‌ها در دیگر عرصه‌ها شگفت‌آور است. حتی صنایع بسیار مهم زنانه مانند پرستاری و مراقبت از فرزندان، در جامعه ما اصلاً ارزش و پاداشی ندارند. این تبعیض باعث می‌شود زنان چیزی برای از دست دادن نداشته باشند. اما فاطمه اسکویی معتقد است بالاترین سطح تحصیلات زنان و حمایت خانواده‌ها در ادراک و بروز این احساس نقش بسیار مهمی داشته است. گویی شکل مواجهه با تبعیض خود تبعیض آفرین بوده است. از نظر او، فناوری‌های روز در شکل‌گیری مطالبات زنان تأثیرگذار است.

## »

### فاطمه مهاجرانی معتقد

است در اینکه نظام جمهوری

اسلامی فضا را برای زنانی که

علاقه‌مند به فعالیت بودند باز

کرد، هیچ تردیدی نیست؛ اما

تصمیم‌هایی که گرفته می‌شود

بشدت شکننده‌اند و از آنجا که

زنان مانند مردان، شبکه‌های

اجتماعی قوی ندارند،

به تعبیر او از گردونه‌های

مدیریتی خارج می‌شوند. ندا

حاجی‌وثوق هم می‌پذیرد

که نمی‌توان افزایش نرخ

تحصیل و رشد اجتماعی زنان

در ۴۰ سال اخیر را انکار کرد و

این انقلاب اسلامی بود که زن

را از حاشیه به متن آورد، اما از

نظر او غیر از قوانین، پیگیری

و تحقق مطالبات، کانال‌های

رسمی کارآمد لازم دارد

## ■ مواجهه جمهوری اسلامی ایران با

### مسائل زنان

الهه کولایی می‌گوید آگاهی زنان از حقوق و مسائل و مطالبات‌شان در گام نخست از انقلاب اسلامی ریشه گرفته و سخنرانی‌ها، پیام‌ها و بیانات رهبران بلندپایه کشور و نیز الگوهای متعالی دینی، زنان ایرانی را آگاه ساخته است. اما نباید از یاد برد الگوهای اجتماعی و فرهنگی فقط به وسیله حکومت‌ها ساخته نمی‌شود، بویژه در حال حاضر که زنان مانند مردان، این مجال را دارند که با دستاوردها و پیشرفت‌های جوامع دیگر آشنا شوند. ضعف شدید یا ناتوانی الگوسازی در داخل، نقش و نفوذ عوامل بیرونی را شدت بخشیده است. ظاهره چنگیز از این بیان فراتر می‌رود و تصریح می‌کند زنان صلابت و استحکام خود را مرهون انقلاب هستند، اما بلافاصله تأکید می‌کند آنچه آفت این صلابت و استحکام است، نگرش‌های قشری نسبت به مسائل مذهبی است. نگرش‌های قشری باعث می‌شود زنان آنچه را پس از انقلاب به دست آوردند، در دام رفتارهای ظاهری بیفتند.

فاطمه مهاجرانی معتقد است در اینکه نظام جمهوری اسلامی فضا را برای زنانی که علاقه‌مند به

فعالیت بودند باز کرد، هیچ تردیدی نیست؛ اما تصمیم‌هایی که گرفته می‌شود بشدت شکننده‌اند و از آنجا که زنان مانند مردان، شبکه‌های اجتماعی قوی ندارند، به تعبیر او از گردونه‌های مدیریتی خارج می‌شوند. ندا حاجی‌وثوق هم می‌پذیرد که نمی‌توان افزایش نرخ تحصیل و رشد اجتماعی زنان در ۴۰ سال اخیر را انکار کرد و این انقلاب اسلامی بود که زن را از حاشیه به متن آورد، به تعبیر او از گردونه‌های مدیریتی خارج می‌شوند. ندا حاجی‌وثوق هم می‌پذیرد که نمی‌توان افزایش نرخ تحصیل و رشد اجتماعی زنان در ۴۰ سال اخیر را انکار کرد و این انقلاب اسلامی بود که زن را از حاشیه به متن آورد، به تعبیر او از گردونه‌های مدیریتی خارج می‌شوند. ندا حاجی‌وثوق هم می‌پذیرد که نمی‌توان افزایش نرخ تحصیل و رشد اجتماعی زنان در ۴۰ سال اخیر را انکار کرد و این انقلاب اسلامی بود که زن را از حاشیه به متن آورد، به تعبیر او از گردونه‌های مدیریتی خارج می‌شوند.

زهره نژادبهرام بر این باور است که پیش از انقلاب فرصت‌های اجتماعی برای تعاملات اجتماعی محدود بود اما پس از انقلاب با تحولاتی که به وجود آمد، حضور زنان

در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی افزایش پیدا کرده و گونه‌ای خودباوری و توانمندسازی درون زنان به وجود آمده است، اما برای حل مسائل کافی نبوده. در بیان سیمین حاجی‌پور، جمهوری اسلامی ایران، کوشش کرده هویت‌بخشی به زنان را از طریق معتبرسازی نهاد خانواده دنبال کند تا ارزش‌های ایرانی و اسلامی، مسئولیت اجتماعی و حفظ کرامت انسان‌ها در زن ایرانی زنده شود. از نظر او جمهوری اسلامی سیاستگذاری‌های موقفی در حوزه آموزش و بعضاً اجتماعی داشته که برای پیگیری مطالبات زنان دستاورد رسمی و نهادسازی‌های سازمانی داده، اما سیاستگذاری‌های حقوقی، سیاسی و فرهنگی به رفع تبعیض‌ها، محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌ها در عرصه‌های مختلف حتی عرصه خانواده که بیش از سایر عرصه‌ها ظاهراً مورد توجه بوده، منجر نشده است. او ریشه این ناکامی را در سیاستگذاری جزیره‌ای و مستقل از یکدیگر می‌داند. توران ولی‌مراد نیز این احیای کرامت زن با وقوع انقلاب اسلامی را می‌پذیرد و در نظر او با آنکه زنان در موفقیت و تثبیت و تحکیم زنان نقش انکارناپذیری داشته‌اند، اما قربانی تبعیض‌های ظالمانه‌ای شده‌اند.

## ■ راهکارها و امکان‌ها

الهه کولایی معتقد است امروز کانون اصلی تلاش‌های همه کشورها برای خروج از عقب‌ماندگی و دستیابی به شرایط قابل قبول برای همه مردم، توسعه انسانی بویژه ارتقای وضعیت زیست زنان است. ظاهره چنگیز نیز تأکید دارد مهم‌ترین کاری که نظام جمهوری اسلامی در مقابل مطالبات مردم می‌تواند داشته باشد، تحمل صدای مخالف و انعطاف‌پذیری در مقابل سخنان مخالفان و کسانی است که اندیشه مخالف دارند. از نظر او، قانونی که در جامعه قابلیت مردم‌داری داشته باشد، اشکال دارد و باید اصلاح شود تا فاصله‌ای بین قانون مصوب و اجرای آن نداشته باشیم. ظاهره چنگیز می‌گوید در مواردی که قانون اشکال دارد و قابل اجرا نیست، اجرا نداشته باشد، اشکال دارد و باید اصلاح شود تا فاصله‌ای بین قانون مصوب و اجرای آن نداشته باشیم. ظاهره چنگیز می‌گوید در مواردی که قانون اشکال دارد و قابل اجرا نیست، اجرا نداشته باشد، اشکال دارد و باید اصلاح شود تا فاصله‌ای بین قانون مصوب و اجرای آن نداشته باشیم. ظاهره چنگیز می‌گوید در مواردی که قانون اشکال دارد و قابل اجرا نیست، اجرا نداشته باشد، اشکال دارد و باید اصلاح شود تا فاصله‌ای بین قانون مصوب و اجرای آن نداشته باشیم.

ندا حاجی‌وثوق گروه‌های به رسمیت شناخته‌شده مورد اشاره سندیکها و اتحادیه‌هایی می‌داند که خواسته‌ها و مطالبات مردم را سازماندهی کنند و حلقه واسط دولت و ملت شوند. توران ولی‌مراد حتی معتقد است خود حکومت هم به دنبال شناسایی و تحقق مطالبات زنان نبوده، یعنی در واقع، نه به طبقه متوسط و نخبگان دانشگاهی اجازه طرح مطالبات داده شده تا صدای زنان باشند و نه در دولت و مجلس این مهم اتفاق افتاده است.

از نظر نژادبهرام در پاس‌خوبی به مطالبات زنان، باید به سه عنصر اصلی توجه کرد: ظرفیت‌های حاکمیتی، اجتماعی و فردی. از نظر او، بی‌توجهی به این ظرفیت‌ها مانند امکان نگارش، تهیه و اجرای قوانینی مانند «لایحه کرامت زنان و جلوگیری از خشونت» که بعد از یک سال و نیم همچنان در مجلس شورای اسلامی است، رسیدگی به مطالبات را از کانال‌های رسمی خارج می‌کند. همان چیزی که مورد توجه ولی‌مراد نیز قرار می‌گیرد و او می‌پرسد چرا مساله زن سرپرست خانوار که از برنامه سوم توسعه مطرح بوده، همچنان دچار چالش‌هایی جدی است.

نژادبهرام بر این باور است



توران ولی‌مراد



زهره نژادبهرام



سیمین حاجی‌پور



سیمیا فردوسی



الله کولایی



ندا حاجی‌وثوق



ظاهره چنگیز



فاطمه مقیمی



فاطمه مهاجرانی



فاطمه حدیث‌دوست اسکویی



صدیقه ببران



منصوره اتحادیه

هر اندازه حضور زنان در عرصه برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی افزایش یابد، میزان واقعی شدن تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها برای زنان و در مورد زنان جدی‌تر خواهد شد. بنابراین در ارتباط با قوانین و نیازهایی که درون جامعه وجود دارد، مشارکت زنان در همه بخش‌ها ضرورت دارد. از نظر او، مقوله زنان اکنون متأثر از نگاه سیاسی است و تبدیل آن به یک مقوله اجتماعی گام نخست است. صدیقه ببران نیز چنین نظری دارد و تصریح می‌کند برای سرعت بخشیدن به پیشرفت جامعه و رفع بسیاری از محدودیت‌ها لازم است همه وزارتخانه‌ها نسبت به ساخت جایگاه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای زنان و مشارکت آنها در سیاست‌گذاری‌های کلان مکلف شوند. به گفته او، باید قابلیت‌ها لازم برای زنان را باور کرد و پذیرفت که آنها قدرت حمایت از جامعه را دارند.

سیمین حاجی‌پور، مبنای سیاستگذاری‌های نادرست در مورد زنان را نبود پژوهش و تحقیق مستند می‌خواند و تأکید دارد سیاست‌های زنانه‌سازی در ایران از نظر جنسیتی، یقیناً امکان مطرح کردن نظرات و مطالباتشان به آسانی امکان‌پذیر خواهد بود.

سیمین حاجی‌پور، مبنای سیاستگذاری‌های نادرست در مورد زنان را نبود پژوهش و تحقیق مستند می‌خواند و تأکید دارد سیاست‌های زنانه‌سازی در ایران از نظر جنسیتی، یقیناً امکان مطرح کردن نظرات و مطالباتشان به آسانی امکان‌پذیر خواهد بود. سیمین حاجی‌پور، مبنای سیاستگذاری‌های نادرست در مورد زنان را نبود پژوهش و تحقیق مستند می‌خواند و تأکید دارد سیاست‌های زنانه‌سازی در ایران از نظر جنسیتی، یقیناً امکان مطرح کردن نظرات و مطالباتشان به آسانی امکان‌پذیر خواهد بود. سیمین حاجی‌پور، مبنای سیاستگذاری‌های نادرست در مورد زنان را نبود پژوهش و تحقیق مستند می‌خواند و تأکید دارد سیاست‌های زنانه‌سازی در ایران از نظر جنسیتی، یقیناً امکان مطرح کردن نظرات و مطالباتشان به آسانی امکان‌پذیر خواهد بود.